

نقد و معرفی کتاب

عوامل تأثیرگذار داخلی در خلیج فارس

محمدعلی امامی، عوامل تأثیرگذار داخلی در خلیج فارس، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰)، ۳۵۳ صص.

می‌کند، نمی‌شود. معیارهای سنتی، قبیله‌ای و مذهبی دست‌خوش ضعف و دگرگونی شده‌اند. پژوهشگران عرب و غیرعرب بخش عمده‌ای از نابسامانی‌های جوامع عرب را ناشی از الزامات سرمایه‌داری نفتی می‌دانند.

عدم شناخت و آگاهی کافی از تحولات سیاسی و جریان‌های فکری جهان عرب یکی از معضلاتی است که سیاست خارجی کشور ما با آن روبه‌رو است. کتاب‌ها و نوشته‌ها درباره کشورهای عرب خلیج فارس را به طور کلی می‌توان به دو نوع تقسیم نمود: نوع اول که به وسیله مورخان، جهان‌گردان، کاشفان و مأموران استعماری و بیشتر از دیدگاه غربی و نیز از موضع منافع استعمار نوشته شده است. نوع دوم نوشته‌ها، که در سال‌های اخیر پدید آمده‌اند به وسیله روزنامه‌نگاران، کارشناسان اقتصادی و

در میان مناطق جهان سوم در دوران بعد از جنگ جهانی دوم، تنها منطقه‌ای که با وجود موقعیت و توانایی بالقوه خود تحت نفوذ سیاسی و اقتصادی و حتی نظامی بین‌المللی باقی مانده است، منطقه خلیج فارس می‌باشد. نفت در خلیج فارس، موجب تحولات اجتماعی سریعی گردید و زندگی مدرن جای خود را باز کرده و زندگی سنتی و قدیمی را در عمل به کناری افکنده است. تحولات اجتماعی برق‌آسا، باعث تقسیم‌بندی جامعه به گروه‌ها، طبقات و قشربندی‌های متعدد شده است. تأکید ظاهری بر گذشته‌ها، از جمله پوشیدن لباس‌های سنتی عربی، برگزاری و مسابقات شترسواری و یا درست کردن قهوه به سبک بدویان قبیله، مانع جلوگیری از تهدیدهایی که به تدریج درون و عمق بافت اجتماعی این کشورها را مسخ

عرب خلیج فارس یک دست و هم سنخ می‌باشند، مشابهت‌های آنها بایکدیگر در مواردی همچون شرایط جغرافیایی، ساختار اجتماعی شامل قبیله و فرهنگ، زیربنای اقتصادی و حتی نوع دولت و حکومت، باعث می‌شود که آن‌ها در یک طبقه‌بندی مورد بررسی جامع قرار گیرند. از این رو، در بررسی عوامل تأثیرگذار داخلی در کشورهای عرب خلیج فارس، محک‌های اصلی و عمده (از قبیل نخبگان، سیاست‌های سنتی، اسلام و قبیله‌گرایی) انتخاب شده‌اند تا از یک تحلیل در سطح کلی، نتایج عمومی آن استخراج و برگرفته شود. با این وجود، در هر مورد تنوع و اختلاف، شرایط متفاوت و دگرگونی‌های عمده (نظیر موقعیت خاص کویت به دنبال اشغال آن کشور توسط عراق) مورد توجه قرار گرفته است.

این کتاب در مقدمه، پنج فصل و نتیجه‌گیری تنظیم شده که در آن نویسنده کوشیده تا کلیه عوامل تأثیرگذار داخلی از جمله ساختار سیاسی و اجتماعی، مبانی مشروعیت حکومت‌ها و چالش‌ها و مشکلات اساسی کشورها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

در فصل اول "ساختار سیاسی و اجتماعی کشورهای عرب خلیج فارس" در سه بخش نخبگان سنتی، نخبگان فکری و جامعه ناهمگون مورد بحث قرار گرفته است. منظور از

پژوهشگران مسایل سیاسی با هدف آگاهی از اوضاع و رویدادهای این بخش از جهان تهیه و تدوین شده‌اند. می‌توان گفت هر دو نوع یاد شده از جهاتی ناقص می‌باشند: در نوشته‌های اول، گرچه ساختار قبیله‌ای - نژادی و آثار آن بر جمعیت بومی مورد توجه قرار گرفته، کمتر می‌توان از آنها در مورد درک ساختار اجتماعی منطقه استفاده کرد؛ نوشته‌های نوع دوم، فاقد دیدگاه تاریخی هستند و در ابعاد اقتصادی به نفوذ نفت در جامعه و امور اقتصادی و معیشتی کشورهای منطقه توجه بسیار و گاه افراطی شده است. به گونه‌ای که یکی از نویسندگان عرب منطقه کتابی تحت عنوان "خلیج (فارس) نفت نیست"، نوشت.

کتاب "عوامل تأثیرگذار داخلی در خلیج فارس" مجموعه‌ای است متأثر از نوشته‌های سبک قدیم و جدید در مورد ساختار داخلی خلیج فارس، با توجه به این مطلب که کانون اصلی بحث مربوط به تحولات دهه‌های اخیر می‌باشد. نگارنده سعی دارد به جوامع عرب خلیج فارس از دیدگاهی متفاوت نسبت به آنچه شرح سلسله‌وار وقایع تاریخی و تحولات گوناگون منطقه است بنگرد و توصیف خسته کننده و یکنواخت دودمان‌ها و حکومت‌ها مورد نظر وی نمی‌باشد.

گرچه نمی‌توان گفت که کلیه جوامع

تا کارگران و مزدورانی که به طور غیرقانونی در مناطق حاشیه‌ای "نفت شهرها" سکونت یافته‌اند. همچنین تنوع و تفاوت در دین و مذهب قابل توجه می‌باشد: مسلمانان با مذهب سنی (با انواع چهارگانه آن و وهابی) و شیعه، هندوها، سیک‌ها، بودائی‌ها و برهمنی‌ها و پیروان انواع مذاهب مسیحی.

در هر حال، قبیله‌گرایی و اسلام دو عامل عمده در حمایت از امیرنشین‌های خلیج فارس تا اواخر قرن بیستم بوده‌اند و تا این زمان نظام‌های سیاسی توانسته‌اند با بهره‌گیری از دو عامل یاد شده، ساختارهای ایدئولوژیک و عقیدتی لازم را برای مشروعیت بخشیدن به حکومت‌های سستی خویش فراهم آورند. البته استفاده از حره اسلام در میان این کشورها دارای شدت و ضعف است. درحالی که حاکمان عربستان سعودی به شکل پرده‌داران خانه خدا و جانشینان پیامبر اسلام تظاهر می‌کنند، بحرین، ابوظبی، دبی و عمان به منظور تشویق گردشگری حتی اجازه فروش مشروبات الکلی در کشورهایشان را داده‌اند. با این وجود، هیچ یک از خانواده‌های حاکم، غیرمذهبی بودن کامل حکومت خود را ابزار نداشته‌اند. همه آنها به نحوی از شریعت به عنوان اساس نظام حقوقی کشور استفاده کرده‌اند و اسلام را به عنوان دین رسمی کشور معرفی و آن را از جمله فرمول‌های

نخبگان سنتی، حاکم و خاندان حاکم، شیخ و قبیله و سوداگران است. نخبگان فکری کشورهای مذکور به سه دسته نخبگان فرهنگی آزاد اندیش (لیبرال)، نخبگان فرهنگی پیشرو و نخبگان دینی تقسیم می‌شوند. در کتاب هر یک از زیرمجموعه‌های نخبگان سنتی و فکری به طور مستقل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای نمونه، می‌توان به حاکم و خاندان حاکم اشاره کرد که نویسنده علاوه بر اشاره به این گروه از نخبگان در کشورهای مورد نظر به طور جداگانه، هرم قدرت و امتیازات که در اکثر کشورهای عرب تقریباً شبیه هم طبقه‌بندی می‌شود را به ترتیب زیر ترسیم نموده است:

۱. شخص حاکم (ملک، سلطان، امیر، شیخ)
۲. اعضای مهم خاندان حاکم (وزرا، فرماندهان)
۳. سایر وزرا و مقامات بلندپایه
۴. شهروندان و اتباع کشور (بازرگانان، کادری‌های درجه دوم حکومتی)
۵. مهاجران (عرب و غیرعرب)

فصل دوم کتاب به "مبانی مشروعیت در حکومت‌های عربی خلیج فارس" اختصاص یافته است. امیر نشین‌های عربی موجود ترکیبی هستند از اقوام و ملیت‌های گوناگون و نیز از طبقات و قشرهای مختلف، از میلیاردهای نفتی

مشروعیت رژیم‌های خود به کار برده‌اند.

تحولات دهه ۱۹۹۰، به ویژه جنگ خلیج فارس، حضور نیروهای بیگانه در منطقه و ظهور بسی سابقه جنبش‌های اسلامی، حکومت‌های سنتی منطقه را با چالش‌هایی جدی روبه‌رو ساخت و این خود باعث بروز واکنش‌هایی از سوی حاکمان شد. تشکیل شورا‌های مشورتی و مجالس قانون‌گذاری هر چند انتصابی و یا نیمه انتخابی در این راستا ارزیابی می‌شود. نویسنده در این زمینه به تحولات دموکراتیک در پنج کشور منطقه (عربستان، کویت، بحرین، قطر و عمان) اشاراتی داشته است.

در فصل سوم، چالش‌ها و مشکلات اساسی "این کشورها پرداخته شده است. شکاف‌های سیاسی و اجتماعی (طبقه متوسط جدید)، تضادهای فرهنگی، معضلات نسل جوان، بحران مهاجرت، جنبش‌های سیاسی-مذهبی، مسأله زنان و رویارویی نخبگان، عناوینی هستند که نویسنده آنها را چالش‌ها و مشکلات اساسی فراروی حکومت‌های منطقه تلقی می‌کند و در مورد هر کدام توضیح مفصلی ارائه می‌نماید و معتقد است این چالش‌ها در دراز مدت می‌توانند به صورت زنجیره‌ای و سلسله‌وار درآمد و حکومت‌های منطقه را با بحران‌های جدی مواجه سازند.

"نفت و اقتصاد" عنوان فصل چهارم کتاب است. در این فصل، ابتدا اقتصاد سنتی (دوران قبل از نفت) کشورهای عرب حوزه خلیج فارس مورد بررسی قرار گرفته است. در یک ارزیابی کلی از اقتصاد سنتی این کشورها می‌توان گفت که این اقتصاد در مناطق دور از ساحل یادگار قرون تاریخی گذشته و منحصر به کشاورزی، دامداری و صنایع دستی بود. در مناطق ساحلی به دلیل ارتباط دریایی و ورود قدرت‌های استعمارگر دریایی به گونه‌ای بود که باعث شد بنادر تجاری در خلیج فارس با توجه به ارتباط آن با سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا شکل بگیرد. در ادامه، مسأله کشف نفت در این کشورها و تأثیرات آن در زندگی مردم منطقه و حکومت حاکمان بررسی شده است. بازشدن پای خارجی‌ان و قدرت‌های استعماری به منطقه را می‌توان از ویژگی‌های عمده این مرحله از تحولات منطقه به حساب آورد.

"دوران رونق نفت (دهه ۱۹۷۰)" و آثار داخلی و بین‌المللی افزایش قیمت نفت"، بحران نفتی (دهه ۱۹۸۰) و تبعات آن در اقتصادهای تک محصولی پادشاهی‌های خلیج فارس و اشغال کویت و عواقب کاهش قیمت نفت در خلیج فارس مراحل دیگری هستند که کتاب به آن‌ها پرداخته است. در پایان این فصل برای ارائه چشم‌انداز آینده کشورهای منطقه از عبارت

می‌شوند. از سوی دیگر، آسیب‌پذیری این کشورهای کوچک و درآمدهای بزرگ نفتی آنها منجر به صرف هزینه عظیم تسلیحاتی گردیده است به گونه‌ای که این کشورها در دهه‌های اخیر به صورت بزرگ‌ترین بازار تسلیحاتی مطرح می‌باشند.

در ادامه فصل آخر، نویسنده پس از ارائه توضیحاتی پیرامون جنگ نفت و ترتیبات امنیتی در منطقه، معتقد است محیط امنیتی نامساعد بر حسب مداخله قدرت‌های خارجی و درگیر بودن منافع آنها در خلیج فارس، رفتار خودخواهانه خاندان‌های حاکم و سیاست‌های فارغ از خویش‌ن‌داری کشورهای منطقه که بر سر کوچک‌ترین مسایل فیما بین به بحران و جنگ می‌انجامد، رقابت تسلیحاتی افسارگسیخته، عدم اجماع در تعریف امنیت منطقه‌ای و ابعاد آن، بی‌توجهی دولت‌ها نسبت به مسایل حاد و مزمن مردم خود، بحران مشروعیت سیاسی و نگرانی از بی‌ثباتی داخلی از جمله ریشه‌های مشکل امنیت در منطقه خلیج فارس است.

در پایان کتاب و در نتیجه‌گیری یک ارزیابی کلی از وضعیت جوامع عرب منطقه به عمل آمده که هر چند جنبه پیش‌بینی ندارد، خواننده را در به دست آوردن تحلیلی از آنچه که کشورهای خلیج فارس با آن روبرو هستند و یا خواهند بود، کمک می‌کند. از نظر نویسنده

«کشورهای بدون نفت» استفاده شده و منظور از آن، پذیرش واقعیت پایان ذخیره‌های نفتی کشورهای یاد شده است. در این راستا، ضمن بررسی اجمالی وضعیت هر یک از کشورها به اقدامات انجام شده و برنامه‌های مورد نظر دولت‌ها و نیز توصیه‌هایی که در این مورد مطرح است، اشاره شده است.

در فصل پنجم، با عنوان «در جستجوی امنیت»، دیدگاه اعراب خلیج فارس در مورد مفهوم امنیت مورد بررسی قرار گرفته است. به خاطر اختلاف در مصالح، اهداف و اولویت‌های سیاسی، تصور یکسانی از امنیت خلیج فارس وجود ندارد. با وجود این، تهدیدات قدرت‌های منطقه‌ای، مشکلات مرزی و اختلافات داخلی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، فعالیت مخالفان و بروز خشونت سیاسی، مسایل اقتصادی و حضور بیگانگان، دغدغه‌های مشترک امنیتی دولت‌های عرب منطقه را تشکیل می‌دهند.

کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به دلایل گوناگون از نارسایی در خودکفایی دفاعی رنج می‌برند و افکار عمومی این کشورها از حضور گسترده نیروی نظامی خارجی ناراحت است. از این رو، امریکا و رژیم‌های مورد حمایت آن در منطقه رفته رفته با مشکل رشد فزاینده احساسات ضد امریکایی روبرو

کتاب‌ها و مدارک حتی‌المقدور از آخرین مطالب روز زبان‌های رایج منطقه (عربی و انگلیسی) استفاده شه است و دوم این که به نظرات نویسندگان عرب در مورد کشورهايشان اولويت داده شده تا نویسندگان غربی که اغلب نه آشنایی کافی با این بخش از جهان دارند و نه به زبان عربی مسلط می‌باشند که این موضوع در آثارشان بی‌تأثیر نبوده است. در مجموع مطالعه این کتاب برای پژوهشگرانی که مشغول مطالعه عمیق تحولات منطقه خلیج فارس بوده و با قصد آن را دارند، می‌تواند بسیار مفید و راه‌گشا باشد.

حسین انتظار یزدی

مرکز مطالعات خلیج فارس و خاورمیانه

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

جای این ملاحظه باقی می‌ماند که ثروت نفتی خلیج فارس به ویژه در دو دهه اخیر قرن بیستم به صورت مصیبت بزرگی برای کشورهای این منطقه درآمد که به شکل جنگ‌ها و بحران‌ها مردم این بخش از جهان همچنان از آثار و عواقب آنها رنج می‌برند. اگر این میراث زمینی و موهبت آسمانی، در آینده به نحو بهترین مورد بهره‌برداری قرار گیرد می‌تواند رفاه و آسایش مردم این منطقه را به همراه داشته باشد. در غیر این صورت به مثابه عاملی برای مشکلات آینده سیاسی و اجتماعی کشورهای خلیج فارس و در ابعاد منطقه‌ای و جهانی به شکل ریشه مصائب درآینده درخواهد آمد.

دو نکته دوباره کتاب یاد شده قابل

توجه به نظر می‌رسد اول آن که، در مراجعه به

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی